

کتاب در دهه هفتاد

○ سید صمد نبوی

الف - مقدمه

رشد باسواد، توسعه مراکز آموزشی و پژوهشی، افزایش کتابخانه‌های عمومی، توسعه وسایل ارتباط جمعی و رشد تدریجی تولید و نشر کتاب موجب افزایش تمایل آحاد جامعه به خرید کتاب و بهره‌مندی از آن شده است.

در حالی که اغلب فعالیتهای فرهنگی و هنری محدود و گاه پرهزینه است یا به دلیل وابسته بودن به فضا فقط در شهرهای بزرگ قابل اجراست، کتاب وسیله‌ای است که می‌تواند با قیمت پایین، حجم کم، و به طور گسترده با حفظ امکان انتخاب برای مخاطبان، یافته‌ها، آثار و دستاوردهای ارزشمند بشری و نتایج پژوهشها، ابداعات و رشحات فکری را عرضه کند. همانند همه کالاهای و محصولات دیگر، تولید و مصرف کتاب نیز وابسته به عرضه و تقاضاست؛ اگرچه ویژگیها و مسائل خاصی نیز در عرضه و تقاضای آن وجود دارد. ایجاد تنوع در تولید کتاب، کیفیت ظاهری و محتوایی آن، قیمت فروش، وضعیت اقتصادی و اجتماعی مردم جامعه، میزان باسواد و... از جمله موارد مهمی هستند که در میزان عرضه و تقاضا نقش بسزایی دارند. توزیع کتاب و میزان دسترسی مردم به آن نیز از جمله مواردی است که در میزان کتابخوانی مردم و افزایش تقاضای کتاب سهم بسزایی دارد. کتابفروشیها و کتابخانه‌های عمومی، هر کدام، بنا بر ماهیت درونی خود گامهای مؤثری در رشد و توسعه فرهنگ کتابخوانی در جامعه برداشته‌اند.

گزارش حاضر وضعیت بخش کتاب را در دهه هفتاد بررسی می‌کند. از آنجا که کلیه فعالیتهای فرهنگی تحت سیاستها و اهداف خاصی صورت می‌گیرد، بررسی سیاستهای حاکم بر چاپ و نشر کتاب در دهه هفتاد، اولین موضوعی است که بررسی می‌شود. سپس با زبان آمار و ارقام وضعیت نشر کشور و میزان بهره‌مندی مردم از این کالا مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و در نهایت عملکرد بخش کتاب و کتابخوانی در برنامه‌های اول و دوم توسعه خواهد آمد.

ب - سیاستهای بخش فرهنگ مکتوب در دهه هفتاد

به جرئت می‌توان اذعان کرد که بخش فرهنگ مکتوب بیش از سایر بخشهای فرهنگی و حتی غیرفرهنگی موردتوجه مسئولان نظام و دولتمردان بوده است. وجود قوانین و مقررات فراوان و نیز بحثها و مذاکرات مراکز مهم تصمیم‌گیری در این خصوص، مبین همین مطلب است. شاید دلیل عمده آن را بتوان در قدمت دیرینه فرهنگ مکتوب جستجو کرد. ضمن اینکه جامعه‌ای که دین و فرهنگش پیام خود را با سوگند به قلم آغاز می‌کند بیش از سایر فعالیتها و برنامه‌ها، بایستی توجه ویژه‌ای به فرهنگ مکتوب نشان دهد.

در دهه هفتاد همانند سایر بخشهای فرهنگی و هنری، سیاستهای مختلف ولی هم راستایی، فرهنگ مکتوب کشور را هدایت و سازماندهی می‌کرده است. اصول سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی در واقع به منزله منشور فرهنگی کشور، پایه و اساس کلیه برنامه‌ریزی‌ها و فعالیتهای فرهنگی محسوب می‌شود. اهداف کیفی برنامه اول، دوم و سوم توسعه و نیز برنامه‌های فرهنگی ریاست محترم جمهوری، حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای خاتمی از دیگر سیاستهایی بوده‌اند که فعالیتهای بخش کتاب را جهت‌دهی نموده و در رشد، توسعه و تعالی آن سهم اصلی را داشته‌اند. از آنجا که بیان کامل سیاستهای مختلف بخش فرهنگ مکتوب در این گزارش نمی‌گنجد و نیز به دلیل شباهت و یکی بودن بسیاری از سیاستهای مدون با توجه به منابع پیش گفته، سیاستهای زیر استخراج شده‌اند. درخور ذکر است که سیاستهای کلی حاکم بر بخش فرهنگ نیز تاثیر بسزایی در رشد و توسعه کتاب و کتابخوانی در جامعه داشته است که در اینجا از ذکر سیاستهای کلی فرهنگی پرهیز می‌شود و فقط سیاستهای بخش فرهنگ مکتوب از نظر می‌گذرد.

- ۱- تشکیل و تقویت و تجهیز مراکز اطلاعات فرهنگی و هنری و مراکز حفظ و تنظیم اسناد، مدارک و شناسنامه‌های فرهنگی و هنر
- ۲- برقراری پیوستگی و تناسب میان فرهنگ و رسانه‌های مکتوب و شنیداری و دیداری
- ۳- توسعه و ارتقای کمی و کیفی صنایع وابسته به بخش، به‌ویژه صنایع چاپ و نشر
- ۴- گسترش و تقویت و تجهیز کتابخانه‌های عمومی و مراکز هنری - فرهنگی و مذهبی عمومی
- ۵- اولویت دادن به نظام جدید اطلاع‌رسانی در تخصیص منابع و فعالیت قانونمند برای گسترش کمی و کیفی آن و همگانی شدن استفاده از این امکانات برای مردم
- ۶- جمع‌آوری اسناد، آثار و تجربیات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس و تدوین و نشر و اشاعه آنها
- ۷- ساماندهی نظام اطلاع‌رسانی برای استفاده از فن‌آوری‌های جدید و چاره‌اندیشی برای مصون ماندن از آثار منفی آن
- ۸- بالا بردن آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر از قبیل دستگاهها و امکانات ارتباطی فرهنگی و هنری
- ۹- توسعه، تقویت و اعتلای فرهنگ مکتوب و روابط فرهنگی در کشور به منزله مهم‌ترین عوامل گسترش فرهنگ
- ۱۰- ترویج و اعتلای فرهنگ مطالعه و کتابخوانی و توسعه کمی و کیفی کتب مطلوب و کتابخانه‌های عمومی و ایجاد زمینه دسترسی اقشار مختلف به فرهنگ مکتوب به ویژه میان کودکان و نوجوانان
- ۱۱- حفظ، نگهداری، توسعه و تقویت آثار و مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی و میراث و مفاخر فرهنگی و ارائه مطلوب آنها برای استفاده و بازدید عموم مردم و علاقه‌مندان
- ۱۲- حمایت و تامین نویسندگان، مترجمان و شخصیت‌های فرهنگی کشور
- ۱۳- سرمایه‌گذاری و گسترش بهره‌برداری از ابزارها و تکنولوژی جدید در زمینه کتابخوانی و اداره کتابخانه‌ها
- ۱۴- فراهم آوردن شرایط و ایجاد حمایت مالی لازم جهت جلب حضور فعال بخش غیردولتی در فعالیتها و سرمایه‌گذاری فرهنگی و هنری با نظارت دستگاه‌های ذی‌ربط در زمینه احداث کتابخانه، چاپ و نشر، بازرگانی و توزیع کتاب، تالیف و ترجمه کتاب
- ۱۵- مشارکت شهرداریها در اداره امور کتابخانه‌های عمومی در شهرها.

همان‌طوری که ملاحظه می‌شود، بالا بردن آگاهی‌های عمومی، اعتلای فرهنگ مطالعه و کتابخوانی، تقویت بخش غیردولتی و واگذاری فعالیتهای اجرایی به این بخش و کاهش تصدی دولت، توسعه نظام اطلاع‌رسانی و حمایت از پدیدآورندگان آثار فرهنگ مکتوب در سیاستهای دهه هفتاد از صراحت و شفافیت زیادی برخوردار است. بدین سبب است که توجه صرف به آمار و ارقام نمی‌تواند زمینه تحلیل مناسب را فراهم سازد؛ چرا که این سیاستها و اهداف پیش‌بینی شده در برنامه‌های درازمدت و کوتاه‌مدت است که آمار و ارقام بخش کتاب و سایر بخشها را تحت تاثیر قرار می‌دهد. با توجه به این سیاستهای کلان مصوب، سیاستهای اجرایی در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سنوات مختلف دهه هفتاد برای توسعه و نشر کتاب اتخاذ شد که چند مورد از اهم آنها در اینجا ذکر می‌شود:

۱- توجه به افزایش کمی تولید کالا و خدمات فرهنگ مکتوب:
طی دوره دهساله ۱۳۶۷-۱۳۷۶ بخش مهمی از تلاشها، امکانات و حمایتها مصروف افزایش تولید شد تا علاوه بر حفظ و نگهداشت سطح تولید متناسب با شاخصهای جمعیتی، جوابگوی تقاضاهای رو به رشد مردم هم باشد. از جمله این تلاشها می‌توان تامین مواد اولیه، پرداخت یارانه به صورت مستقیم و غیرمستقیم، واگذاری تسهیلات بانکی، و حمایتهای دیگر از قبیل خرید آثار فرهنگی، معافیت‌های مالیاتی و قانونی و ... را برای گسترش کمی تولید کالا و خدمات فرهنگی نام برد.

۲- تاکید بر گسترش ظرفیت فضای کتابخانه‌های عمومی:
یکی دیگر از سیاستها، گسترش ظرفیتهای بوده است. افزایش تعداد کتابخانه‌های عمومی از ۵۳۸ باب در سال ۱۳۷۰ به ۱۳۶۸ باب در سال ۱۳۷۹ از جمله مصادیق تاکید بر گسترش ظرفیتهاست.

۳- تلاش مستمر در جهت ترویج و رونق فعالیتهای فرهنگی:
بخش عمده‌ای از فعالیتهای حوزه‌های مختلف بخش کتاب دامن زدن به فعالیتهای مختلف فرهنگی بوده است. برگزاری نمایشگاههای مختلف ادواری بین‌المللی، داخلی، استانی و منطقه‌ای کتاب، مسابقات فرهنگی، برگزاری هفته‌های بزرگداشت، انتشار نشریات و ویژه‌نامه‌ها و اعلائیهای متنوع و اجرای تبلیغات گسترده را می‌توان فعالیتهای ترویجی دانست که با هدف علاقه‌مند ساختن مردم به کتاب، رشد و توسعه فرهنگ کتابخوانی و همگانی کردن مصرف کتاب و ایجاد تقاضای مؤثر صورت می‌گیرد.

۴ - تشویق تشکلهای مردمی و استفاده از امکانات مردم برای رونق فعالیتهای و گسترش تولید و عرضه:

طی سالهای گذشته با آنکه بخش عمده‌ای از فعالیتهای فرهنگی و هنری برعهده واحدهای مختلف دولتی بوده، از سرمایه‌گذاری بخش خصوصی نیز استقبال شده است. توسعه چاپخانه‌های کشور و صدور مجوز تاسیس چاپخانه طی سالهای ۷۱ به بعد، افزایش تعداد ناشران بخش خصوصی از فعالیتهایی است که در راستای جلب مشارکت مردم در امر توسعه فرهنگی صورت پذیرفته است. تشکیل انجمنهای کتابخانه‌های عمومی در سراسر کشور و حمایت از انجمنها و تشکلهای غیردولتی بخش کتاب مشارکت فعال مردمی را ترغیب کرده است. با اینکه در سالهای اخیر، این سیاست مورد تاکید دست اندرکاران و مسئولان دولتی بخشهای مختلف فرهنگی بوده است، هنوز هم بخش عمده‌ای از این فعالیتهای توسط دولت صورت می‌گیرد.

۵ - استمرار پرداخت یارانه‌ها:

به دلیل عدم بازگشت سریع سرمایه در بخش فرهنگ و علاوه بر آن زیان ده بودن فعالیتهای از یک سو و از سوی دیگر ترویج مصرف بیشتر کالاها و خدمات فرهنگی توسط عموم مردم در مناطق مختلف کشور، پرداخت یارانه و حمایت‌های مالی و پشتیبانی و تامین مواد اولیه به قیمت مناسب و خرید آثار از سوی دولت طی سالهای گذشته صورت گرفته است.

۶ - جلب مشارکت و همکاری سایر دستگاهها و سازمانها و نهادها در برگزاری جشنواره‌ها، نمایشگاهها، هفته‌های فرهنگی و بزرگداشتها، مسابقات فرهنگی و هنری از جمله سیاستهای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بوده است.

۷ - اولویت دادن به کودکان و نوجوانان در تولیدات فرهنگ مکتوب:

در تمام زمینه‌های فرهنگی، همچون نشر کتاب، شاخصهای ذی‌ربط نشانگر افزایش تولید کالا و خدمات فرهنگی کودکان و نوجوانان در مقابله با کل تولیدات کتاب است.

۸ - واگذاری فعالیتهای و وظایف به واحدهای استانی، توسعه فعالیتهای متنوع فرهنگی در سطح استانها و مناطق روستایی و ایجاد واحدهای سیار

ج - بررسی عملکرد دهساله بخش فرهنگ مکتوب

پس از بیان سیاستهای بخش فرهنگ مکتوب، بررسی و ارزیابی عملکرد حوزه‌های مختلف بخش کتاب معنا و مفهوم پیدا می‌کند. سیاستهای کلان می‌بایست در جایی خود را نشان دهد و زمینه ارزیابی مناسب را فراهم آورد. بررسی شاخصهای عمده بخش کتاب این فرصت را فراهم می‌سازد که ضمن ارزیابی مناسب از فعالیتهای بخش دولتی و غیردولتی در دهه هفتاد، بتوان سیاستهای کلان این بخش را ارزیابی کرد تا با دیدگاه روشنتر، سیاستهای مناسبی برای دهه هشتم تدوین و تنظیم کرد. به دلیل ضعف آماری و گاهی غیردقیق بودن آمارهای ارائه شده، شاخصهای عناوین و شمارگان کتاب، عناوین و شمارگان کتابهای ویژه کودکان و نوجوانان، تعداد ناشران، چاپخانه‌ها و کتابخانه‌های عمومی در این گزارش مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد تا هم تولید و هم توزیع کتاب بررسی شود.

۱ - عناوین و شمارگان کتابهای منتشر شده:

شاید بتوان گفت که مهمترین فعالیت بخش کتاب، چاپ و توزیع کتاب است. ایجاد چاپخانه، مؤسسه‌های انتشاراتی، کاغذ و ... همگی مراحل اولیه تولید کتاب هستند و در واقع، کتاب محصول نهایی همکاری بین نویسنده، ناشر، تولید و توزیع است. طی دهه هفتاد، جمعاً ۱۳۶۵۴۱ عنوان کتاب در کشور منتشر شد که این تعداد با شمارگان ۷۲۲/۷۳۰/۰۰۰ نسخه به بازار عرضه شد. متوسط شمارگان کتابهای چاپ شده در این دهه برابر با ۵۲۹۳/۱ عنوان بوده است. نگاهی اجمالی به آمار چاپ و نشر کتاب نشان می‌دهد که همواره این بخش روند رو به رشدی را طی دهه هفتاد داشته است. چاپ و نشر ۷۵۱۶ عنوان کتاب در سال ۱۳۷۰ به ۲۳۳۰۵ عنوان در سال ۱۳۷۹ رسیده است که رشد متوسط سالانه معادل ۱۳/۴ درصد را نشان می‌دهد. همچنین شمارگان کتابهای چاپ شده از ۳۶/۵۳۱/۰۰۰ نسخه در سال ۱۳۷۰ به ۱۱۷/۷۸۳/۰۰۰ نسخه در سال ۱۳۷۹ رسیده است که رشد متوسط سالانه ۱۳/۹ درصد را نشان می‌دهد.

در حالی که سرانه عناوین کتاب در سال ۱۳۷۰ به ازای هر هزار نفر جمعیت کشور برابر با ۰/۱۴ عنوان و سرانه کتاب در همان سال به ازای هر نفر جمعیت کشور ۰/۷ نسخه بوده است، این رقم در سال ۱۳۷۹ به ۰/۳۶ عنوان کتاب به ازای هر هزار نفر جمعیت کشور و سرانه ۱/۸۴ نسخه کتاب به ازای هر نفر جمعیت رسیده است.

جدول شماره ۱: عناوین و شمارگان کتاب در سالهای ۱۳۷۰-۱۳۷۹

سال	تعداد عنوان	شمارگان (هزار نسخه)	درصد رشد عنوان نسبت به سال قبل	درصد رشد شمارگان نسبت به سال قبل	متوسط شمارگان
۱۳۷۰	۷۵۱۶	۳۶۵۳۱	—	—	۴۸۶۰
۱۳۷۱	۷۴۸۸	۳۳۲۵۰	-۱/۴	-۱۰	۴۴۴۰
۱۳۷۲	۸۲۰۹	۶۱۰۰۰	۹/۶	۸۳/۵	۷۴۳۰
۱۳۷۳	۱۰۵۳۱	۵۸۱۰۹	۱۴	-۵/۷	۵۵۱۷
۱۳۷۴	۱۱۸۹۰	۶۱۰۰۷	۱۲/۹	۵	۵۱۳۰
۱۳۷۵	۱۴۴۶۲	۸۰۳۷۴	۲۱/۶	۳۱/۸	۵۵۵۷
۱۳۷۶	۱۵۳۰۷	۸۲۵۷۱	۵/۸	۲/۷	۵۳۹۴
۱۳۷۷	۱۷۱۹۱	۸۶۴۱۸	۱۲/۳	۴/۷	۵۰۲۷
۱۳۷۸	۲۰۶۴۲	۱۰۵۶۸۷	۲۰/۱	۲۲/۳	۵۱۲۰
۱۳۷۹	۲۳۳۰۵	۱۱۷۷۸۳	۱۲/۹	۱۱/۴۵	۵۰۵۴
جمع کل	۱۳۶۵۴۱	۷۲۲۷۳۰	—	—	—
درصد رشد متوسط سالانه	۱۳/۴	۱۳/۹			۰/۴۴

همچنان که در جدول شماره ۱ ملاحظه می‌شود بیشترین رشد عناوین کتاب در سال ۷۵ دیده می‌شود که رشدی معادل ۲۱/۶ درصد نسبت به سال قبل را نشان می‌دهد. همچنین بیشترین درصد شمارگان کتاب و نیز شمارگان متوسط کتاب مربوط به سال ۱۳۷۲ است. در این سال شمارگان کتاب نسبت به سال قبل ۸۳/۵ درصد رشد داشته است و شمارگان متوسط هر کتاب ۷۴۳۰ نسخه بوده است که تقریباً در هیچ سال دهه هفتاد این رقم تکرار نشده است. در مقابل، سال ۱۳۷۱ نسبت به سال قبل خود از لحاظ عناوین کتاب ۱/۴ و از لحاظ شمارگان کتاب ۱۰ درصد رشد منفی داشته است.

روند رو به رشد عناوین کتاب در دهه هفتاد، رشد نسبتاً موزونی را از لحاظ موضوعی نیز نشان می‌دهد. کتابهای حوزه دین، کودکان و نوجوانان و ادبیات از لحاظ عنوان همواره درصد بالایی از کل عناوین کتابهای منتشر شده سالهای مختلف دهه هفتاد را به خود اختصاص داده‌اند. همچنان که در جدول شماره ۲ ملاحظه می‌شود از لحاظ رشد متوسط سالانه عناوین کتابهای حوزه علوم خالص با ۱۸/۷ درصد و حوزه دین با ۱۸/۲ درصد از بالاترین میزان رشد برخوردار بودند؛ در حالی که حوزه ادبیات با ۹/۷ درصد و حوزه هنر با ۹/۴ درصد رشد متوسط سالانه، پایین‌ترین میزان رشد را داشتند. اگرچه تعداد عناوین کتاب حوزه ادبیات همواره در صدر عناوین کتابهای چاپ شده قرار دارد، این نسبت در سالهای مختلف دهه هفتاد به نسبت سایر موضوعات رشد نداشته است.

در طی دهه مذکور، حوزه کلیات با ۴۰۶۳ عنوان فقط ۳ درصد از کل کتابها را به خود اختصاص داده است. حوزه دین با دارا بودن ۲۶۹۱۲ عنوان کتاب، ۱۹/۶۵ درصد از کتابهای منتشر شده را به خود اختصاص داده است. بعد از آن، کتابهای حوزه ادبیات با ۲۰۲۲۴ عنوان و کتابهای حوزه کودکان و نوجوانان با ۱۹۵۲۸ عنوان به ترتیب ۱۴/۹۲ و ۱۴/۳ درصد از کل عناوین کتابهای منتشر شده را به خود اختصاص داده‌اند.

همچنین رشد متوسط سالانه کتابهای چاپ مجدد ۷/۴ درصد در دهه هفتاد بوده است که از ۵۶۸۶ عنوان در سال ۱۳۷۰ به ۱۰۸۵۱ عنوان در سال ۱۳۷۹ رسیده است.

همچنان که مشاهده می‌شود از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۵ همواره تعداد کتابهای چاپ مجدد بر کتابهای چاپ اول برتری داشته است چنانکه در سال ۱۳۷۰، ۷۵/۶۵ درصد عناوین کتابهای منتشر شده، چاپ مجدد بوده است. اما از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۹ این روند معکوس شده و شاهد برتری کتابهای چاپ اول نسبت به کتابهای چاپ مجدد هستیم. درصد کتابهای چاپ اول نسبت به کل عناوین کتابهای منتشر شده در سالهای ۷۶، ۷۷ و ۷۸ به ترتیب برابر با ۵۳/۰۵، ۵۸/۴۷ و ۵۴/۲ درصد است.

با توجه به جدول شماره ۵، بیشترین کتابهای چاپ شده در تهران منتشر می‌شود و سهم کل شهرستانهای کشور در هیچ سالی در دهه هفتاد به اندازه تهران نبوده است. در این دهه جمعاً ۱۱۴۲۱۲ عنوان کتاب در تهران منتشر شده است که سهمی بالغ بر ۸۳/۷ درصد از کل عناوین کتابهای چاپ شده را در بر می‌گیرد. در این مدت ناشران شهرستانی تنها موفق به چاپ ۲۲۳۳۳ عنوان کتاب شده‌اند که رقمی برابر با ۱۶/۳ درصد از کل کتابهای منتشر شده را نشان می‌دهد. طبق جدول شماره ۵، تنها در سال ۱۳۷۳ شاهد تحول چشمگیر در چاپ کتاب توسط ناشران شهرستانی هستیم. در این سال تعداد کتابهای چاپ شده در شهرستان ۸۰/۴ درصد نسبت به سال قبل از خود رشد داشته است. در بقیه سالهای دهه هفتاد این آمار برای ناشران شهرستانی همواره افت و خیزهای شدید داشته است؛ درحالی که سال ۷۷ نسبت به

جدول شماره ۵: عناوین کتابهای منتشر شده به تفکیک محل نشر طی سالهای ۱۳۷۰-۱۳۷۹

سال / محل نشر	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	جمع کل	درصد رشد متوسط سالانه
تهران	۶۶۸۴	۶۶۸۴	۷۲۸۷	۸۸۶۸	۹۵۹۳	۱۱۸۸۵	۱۲۶۹۳	۱۳۵۷۵	۱۷۰۲۰	۱۹۹۲۳	۱۱۴۲۱۲	۱۲/۹
درصد رشد نسبت به سال قبل	-	۰	۹	۲۱/۷	۸/۲	۲۴	۶/۸	۷	۲۵/۴	۱۷/۱	-	-
شهرستانها	۸۳۲	۸۰۴	۹۲۲	۱۶۶۳	۲۲۹۷	۲۵۷۷	۲۶۱۴	۳۶۲۰	۳۶۲۲	۳۳۸۲	۲۲۳۳۳	۱۶/۹
درصد رشد نسبت به سال قبل	-	-۳/۴	۱۴/۷	۸۰/۴	۳۸	۱۲/۲	۱/۴	۳۸/۵	۰/۰۵	-۶/۶	-	-

۷۶، ۳۸/۵ درصد رشد مشاهده می‌شود، این رقم در سال ۷۸ نسبت به سال ۷۷ حدود ۰/۰۵ درصد رکود داشته است. آمارهای جدول مذکور نشان می‌دهد که همواره بسیاری از فعالیتهای چاپ و نشر کتاب در استان تهران صورت می‌گیرد و سهم شهرستانهای دیگر در این خصوص بسیار ناچیز است.

۲- عناوین و شمارگان کتابهای منتشر شده ویژه کودکان و نوجوانان:

بررسی کتابهای ویژه کودکان و نوجوانان از آنجا که با قشر عظیمی از جمعیت کشور سر و کار دارد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. طی دهه هفتاد ۱۵ درصد از کل عناوین کتابهای منتشر شده ویژه کودکان و نوجوانان بوده است که رقمی معادل ۲۰۵۰۱ عنوان را نشان می‌دهد. همچنین کل شمارگان کتابهای کودک و نوجوان طی دهه مذکور بالغ بر ۵۷/۵۶۸/۰۰۰ نسخه بوده است که ۲۹/۴ درصد از کل شمارگان را شامل می‌شده است.

با توجه به جدول شماره ۶، در سال ۱۳۷۰ به ازای هر نفر جمعیت کودک و نوجوان ۰/۵ جلد کتاب کودک و نوجوان در کشور منتشر شد؛ درحالی که در همان سال سرانه هر نفر ایرانی از کل شمارگان کتاب ۰/۷ جلد کتاب بوده است. در سال ۱۳۷۹ به ازای هر نفر جمعیت کودک و نوجوان ۱/۳ جلد کتاب در کشور منتشر شده است که باز هم نسبت به سرانه کل کشور از کل شمارگان کتاب (۱/۷ جلد) ۰/۴ کاهش نشان می‌دهد. رشد متوسط سالانه عناوین کتابهای منتشره ویژه کودک و نوجوان ۱۳/۹ درصد بوده است؛ درحالی که رشد متوسط سالانه شمارگان کل آنها ۹/۰۱ درصد بوده است.

با مقایسه این آمار با رشد متوسط سالانه عناوین و شمارگان کل کتابهای منتشره در دهه هفتاد در می‌یابیم که شمارگان کتابهای ویژه کودکان و نوجوانان نتوانسته است پا به پای عناوین کتابها، رشد مناسبی داشته باشد. رشد متوسط سالانه شمارگان کتابهای ویژه کودکان و نوجوانان ۴/۳- بوده است.

جدول شماره ۶: وضعیت چاپ و نشر کتابهای ویژه کودکان و نوجوانان طی دهه ۱۳۷۰-۱۳۷۹

سال	موضوع	تعداد عناوین	شمارگان (هزار نسخه)	متوسط شمارگان	درصد رشد عناوین نسبت به سال قبل	درصد رشد شمارگان نسبت به سال قبل
۱۳۷۰		۱۰۵۳	۱۲۶۷۹	۱۲۰۴۰	—	—
۱۳۷۱		۸۱۳	۷۸۲۶/۸	۹۶۲۷	-۳۹/۳	-۲۳/۸
۱۳۷۲		۱۳۲۶	۱۶۶۴۹	۱۲۵۵۵	۱۱۲/۷	۶۳/۱
۱۳۷۳		۱۴۴۹	۱۴۰۲۸	۹۶۸۱	-۱۶/۷	۹/۳
۱۳۷۴		۱۳۵۲	۱۳۶۲۱	۱۰۰۷۴	-۴	-۹/۶
۱۳۷۵		۲۶۳۴	۲۶۷۲۲	۱۰۱۴۵	۹۶/۲	۹۴/۸
۱۳۷۶		۲۸۵۴	۲۷۱۹۵	۹۵۲۸	۱/۸	۸/۴
۱۳۷۷		۲۵۹۷	۲۸۸۸۰	۱۱۱۲۰	۶/۲	-۱۰/۲
۱۳۷۸		۳۰۴۹	۳۰۰۰۰	۹۸۳۹	۳/۹	۱۷/۴
۱۳۷۹		۳۴۰۱	۲۷۵۶۸	۸۱۰۶	-۸/۱	۱۱/۵
جمع کل		۲۰۵۰۱	۵۷۵۶۸	—	—	—
رشد متوسط سالانه		۱۳/۹	۹/۰۱	-۴/۳	—	—

این رقم برای متوسط شمارگان کل عناوین کتابهای منتشر شده دهه هفتاد برابر با ۳۴/۲ درصد بوده است. باید متذکر شد که طی دهه هفتاد عناوین و شمارگان کتابهای ویژه کودکان و نوجوانان افت و خیزهای شدیدی داشته است؛ به خصوص طی سالهای اخیر رشد مناسبی در این بخش مشاهده نمی‌شود. نکته جالب توجه این است که علی‌رغم رشد عناوین کتابهای ویژه کودکان و نوجوانان در سال ۷۹ نسبت به سال ۷۰، متوسط شمارگان آن کاهش نسبتاً زیادی داشته است که رقم منفی ۲۲/۷ درصد را نشان می‌دهد.

۳- ناشران:

آمار تعداد ناشران به تفکیک استانها تا قبل از سال ۱۳۷۳ موجود نیست. اما تعداد کل ناشران تا قبل از سال ۷۳ بالغ بر ۱۴۰۰ نفر بوده است که به انضمام ۳۳۱۷ ناشر دوره ۷۳ الی ۷۹ بالغ بر ۴۷۱۷ ناشر در حال حاضر در کشور فعال هستند. همان‌طوری که در جدول شماره ۷ ملاحظه می‌شود طی دوره ۷ ساله ۱۳۷۳-۱۳۷۹ تعداد ۳۳۱۷ ناشر مجوز نشر از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دریافت کرده‌اند که از رشد متوسط سالانه ۱۸/۳ درصد از سال ۷۹ نسبت به سال ۷۳ برخوردار بوده است. از بین تعداد کل ناشران، ۲۳۲۷۵ نفر از استان تهران مجوز دریافت داشته‌اند که ۷۱/۶ درصد از کل ناشران را در بر می‌گیرد. در طی همین مدت در استان هرمزگان تقریباً هیچ مجوز نشری صادر نشده است و بسیاری از استانها از جمله استان سیستان و بلوچستان ۲ ناشر، کهگیلویه و بویراحمد و کردستان ۳ ناشر، سمنان ۴ ناشر و گلستان ۵ ناشر مجوز نشر دریافت داشته‌اند که به ترتیب ۰/۰۶، ۰/۰۹، ۰/۱۲ و ۰/۱۶ درصد از کل ناشران را در بر می‌گیرد.

در طی دوره مورد بررسی، سال ۱۳۷۶ با اعطای ۵۶۸ مجوز نشر و رشد ۱۲۷/۲ درصد نسبت به سال قبل، بالاترین میزان رشد دریافت مجوز را دارا بوده است و سال ۱۳۷۵ با اعطای ۲۵۰ مجوز نشر رشد منفی ۱۹/۵ درصد نسبت به سال قبل خود داشته است.

با توجه به وجود ۴۰۵۵ ناشر از ابتدای سال ۷۰ تا پایان سال ۷۸ (به دلیل نبود آمار کتابهای منتشر شده سال ۷۹، این سال در این بخش مورد بررسی قرار نمی‌گیرد)، ملاحظه می‌شود که به طور میانگین هر ناشر در طی دهه هفتاد ۲۷/۹ عنوان کتاب منتشر کرده است که تقریباً متوسط چاپ و نشر کتاب برای یک ناشر در هر سال دهه هفتاد برابر با ۳/۱ عنوان کتاب بوده است. همچنین شمارگان متوسط کتابهای منتشر شده هر ناشر در دهه مورد بررسی بالغ بر ۱۴۹۱۸۵ نسخه بوده است که تقریباً ۱۶۵۷۶ نسخه برای یک ناشر در هر سال از دهه مذکور

محسوب می‌شود. از یک دیدگاه دیگر می‌توان گفت که متوسط شمارگان هر عنوان کتاب منتشر شده یک ناشر در دهه هفتاد برابر با ۵۳۴۷ نسخه بوده است.

همچنین در طی این دهه، ۹۴۲۸۹ عنوان کتاب توسط ناشران تهرانی منتشر شده است که به طور میانگین سهم هر ناشر تهرانی ۳۹/۷ عنوان کتاب در کل دهه هفتاد و ۴/۴ عنوان کتاب برای هر سال از دهه هفتاد بوده است. در طی همین مدت ۱۸۹۵۱ عنوان کتاب توسط ناشران شهرستانی چاپ و نشر یافته است که سهم ۹۴۲ ناشر استانی برابر با ۲۰/۱ عنوان کتاب در طول دهه هفتاد و ۲/۲ عنوان کتاب برای هر سال دهه مذکور بوده است.

چنانچه ملاحظه می‌شود قسمت اعظم بازار نشر کتاب در اختیار ناشران تهرانی است که سهمی به اندازه ۸۲/۲۷ درصد از بازار نشر را به خود اختصاص داده‌اند. سهم ناشران شهرستانی فقط ۱۷/۶۳ درصد از کل کتابهای منتشر شده است.

جدول شماره ۷: وضعیت ناشران به تفکیک محل جغرافیایی طی دهه ۱۳۷۰-۱۳۷۹

ردیف	نام استان	سال	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	جمع	درصد اذکل
۱	آذربایجان شرقی	—	—	—	—	۳۳	۳۵	۶	۱۳	۷	۴	۹	۱۰۷	۳/۲
۲	آذربایجان غربی	—	—	—	۳	۱	۲	—	—	۱	۰	۵	۱۲	۰/۴
۳	اردبیل	—	—	—	۰	۱	۵	۲	۲	۰	۲	۲	۱۲	۰/۴
۴	اصفهان	—	—	—	۶	۱	۴	۱	۱۱	۱۱	۲۵	۲۸	۸۶	۲/۶
۵	ایلام	—	—	—	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۲	۶	۰/۲
۶	بوشهر	—	—	—	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۵	۱۰	۰/۳
۷	تهران	—	—	—	۱۳۸	۲۰۳	۱۴۶	۳۹۹	۵۰۵	۵۱۸	۴۶۶	۲۳۷۵	۷۱/۶	
۸	چهارمحال و بختیاری	—	—	—	۱	۱	۲	۳	۴	۱	۲	۲	۱۴	۰/۴۲
۹	خراسان	—	—	—	۱۳	۶	۱۶	۳۸	۴۱	۳۵	۳۱	۳۱	۱۸۰	۵/۴
۱۰	خوزستان	—	—	—	۳	۱	۴	۳	۵	۳	۳	۲	۲۱	۰/۶
۱۱	زنجان	—	—	—	۰	۰	۰	۱	۰	۳	۶	۳	۱۳	۰/۴
۱۲	سمنان	—	—	—	۰	۰	۰	۱	۲	۰	۱	۰	۴	۰/۱۲
۱۳	سیستان و بلوچستان	—	—	—	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۲	۰/۰۶	
۱۴	فارس	—	—	—	۳	۴	۱	۱۵	۳	۳	۲	۲	۳۰	۰/۹
۱۵	قزوین	—	—	—	۴	۰	۰	۰	۰	۰	۵	۱	۱۰	۰/۳
۱۶	قم	—	—	—	۱۹	۱۶	۳۷	۴۷	۸	۴۳	۷۶	۲۴۶	۷/۴	
۱۷	کردستان	—	—	—	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۳	۰/۰۹
۱۸	کرمان	—	—	—	۶	۵	۲	۸	۴	۳	۹	۳۷	۱/۱	
۱۹	کرمانشاه	—	—	—	۲	۱	۲	۱	۲	۲	۲	۱	۱۱	۰/۳
۲۰	کهگیلویه و بویراحمد	—	—	—	۰	۰	۱	۰	۰	۱	۰	۱	۳	۰/۰۹
۲۱	گلستان	—	—	—	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲	۳	۵	۰/۱۶
۲۲	گیلان	—	—	—	۲	۳	۱	۷	۲	۹	۳	۲۷	۰/۸	
۲۳	لرستان	—	—	—	—	۲	۲	۰	۲	۲	۲	۰	۸	۰/۲۴
۲۴	مازندران	—	—	—	۳	۱۳	۱۱	۸	۷	۷	۷	۴	۵۳	۱/۶
۲۵	مرکزی	—	—	—	۰	۰	۱	۵	۰	۷	۲	۱۵	۰/۵	
۲۶	هرمزگان	—	—	—	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۲۷	همدان	—	—	—	۰	۲	۵	۴	۳	۳	۳	۳	۲۰	۰/۶
۲۸	یزد	—	—	—	۲	۲	۲	۲	۰	۰	۰	۱	۷	۰/۲
-	جمع کل	—	—	—	۲۴۲	۳۰۳	۲۵۰	۵۶۸	۱۲۷/۲	۶۱۰	۶۸۲	۶۶۲	۳۳۱۷	—
-	درصد رشد	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
-	نسبت به سال قبل	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—

۴ - چاپخانه:

تا پایان سال ۱۳۷۸، ۱۹۲۰ چاپخانه در سراسر کشور فعالیت داشته‌اند که پراکندگی آن به ازای هر صد هزار نفر جمعیت کشور در سال ۷۸ بالغ بر ۳ چاپخانه بوده است. طبق آمارهای موجود تعداد چاپخانه در سال ۱۳۷۰ تقریباً بالغ بر ۱۶۰۰ باب بوده است که به ازای هر صد هزار نفر جمعیت ۲/۹ باب چاپخانه در کشور وجود داشته است. چنانکه آمار نشان می‌دهد رشد متوسط سالانه چاپخانه‌های کشور بالغ بر ۲/۳ درصد بوده است. از آنجا که اکثر چاپخانه‌های مذکور فاقد امکانات لازم برای چاپ و نشر کتاب هستند، میزان رشد چاپخانه‌ها با نرخ رشد عناوین و شمارگان کتاب سازگاری ندارد.

۵ - کتابخانه‌های عمومی:

کتابخانه‌ها به منزله بخش لاینفک جامعه متمدن، همواره در توسعه فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جامعه و حفظ و پیشبرد آموزش رسمی و فردی و مطالعه در هنگام فراغت، نقش چشمگیری داشته‌اند. از میان عناصر متشکله بخش فرهنگ، کتاب والاترین و مؤثرترین نقش را در وسایل ارتباط جمعی داشته است و نقش کتابخانه‌های عمومی در سالهای پایانی سده کنونی اهمیت ویژه‌ای یافته است، به نحوی که از آن در عصر انقلاب ارتباطی - اطلاعاتی با عنوان قله رفیع اطلاع‌رسانی نام می‌برند. از این‌رو، تعیین هدف، خط‌مشی، برنامه‌ریزی، تدارک و سازماندهی مواد و منابع کتابخانه‌ای، جنبه‌ای فراتر از وظایف عادی سازمانهای اداری فرهنگی است و جنبه ملی می‌یابد. اگرچه اکثر فعالیتهای حوزه کتاب و کتابخوانی توسط بخش غیردولتی صورت می‌گیرد و دولت نقش حمایتی، هدایتی و نظارتی خود را اعمال می‌کند، کتابخانه‌های عمومی عمدتاً زیرنظر بخش دولتی تاسیس و اداره می‌شوند. آنچه در این بخش مورد بررسی قرار می‌گیرد فقط شامل کتابخانه‌های عمومی است که تحت نظارت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اداره می‌شوند و کتابخانه‌های دیگر از قبیل دانشگاهی، روستایی، تخصصی و خصوصی را در بر نمی‌گیرد.

چنانکه در جدول شماره ۸ ملاحظه می‌شود تا ابتدای سه ماهه آخر سال ۱۳۷۹ تعداد ۱۳۶۸ باب کتابخانه عمومی در کشور ساخته شده است که از ۵۳۸ باب در سال ۷۰ به ۱۳۰۴ باب در سال ۷۸ رسیده است و رشد متوسط سالانه ۱۱/۷ درصد را نشان می‌دهد. در سال ۱۳۷۰ به ازای هر صد هزار نفر جمعیت کشور تعداد ۰/۹۶ باب کتابخانه عمومی در کشور وجود داشته است؛ یعنی هر صد هزار نفر از چیزی کمتر از یک کتابخانه عمومی بهره‌مند بودند که این رقم با رشد متوسط سالانه ۱۱/۷ درصد در سال ۱۳۷۸ به ۲/۱ کتابخانه رسیده است. در واقع، در سال ۷۸ هر پنجاه هزار نفر جمعیت کشور از یک کتابخانه بهره‌مند بوده‌اند. از آنجا که این کتابخانه‌ها در شهرها واقع شده‌اند و قانون تاسیس این کتابخانه‌ها نیز قانون کتابخانه‌های شهری است، در یک برآورد دیگر باید گفت که در سال ۱۳۷۰ به ازای هر صد هزار نفر جمعیت شهری ۱/۷ کتابخانه عمومی در کشور وجود داشته است که این رقم در سال ۱۳۷۸ به ۳/۳ کتابخانه رسیده است.

چنانکه آمار نشان می‌دهد، با افزایش کتابخانه‌های عمومی، منابع آن نیز که شامل کتاب است، افزایش یافته است. تعداد ۳/۹۴۷/۰۰۰ جلد کتاب موجود در کتابخانه‌های عمومی در سال ۱۳۷۰ به ۹/۶۰۵/۰۰۰ جلد در سال ۱۳۷۸ رسیده است که از رشد متوسط سالانه ۱۱/۷ درصد برخوردار بوده است. متوسط تعداد کتاب در کتابخانه‌های عمومی در سال ۱۳۷۰ بالغ بر ۷۳۸۶ جلد بوده است که این رقم به ۷۳۶۶ جلد در سال ۱۳۷۸ رسیده است. در واقع آمار نشان می‌دهد که با افزایش کتابخانه‌ها سعی شده است متوسط کتب موجود در کتابخانه‌ها حفظ شود و عملاً افزایشی در میانگین کتابهای کتابخانه‌های عمومی صورت نگرفته است.

در طول دهه مورد بررسی جمعاً ۸/۳۸۶/۹۱۰ نفر در کتابخانه‌های عمومی عضویت داشته‌اند که از ۳۶۵۲۲۲ نفر در سال ۱۳۷۰ با رشد متوسط سالانه ۱۶/۴ درصد به ۱/۲۳۳/۰۰۰ نفر در سال ۱۳۷۸ رسیده است. آنچه حایز اهمیت است این است که متأسفانه همگام با افزایش جذب مخاطبان، کتابخانه‌ها و نیز منابع موجود در کتابخانه‌ها رشد مناسبی نداشته‌اند. درحالی که در سال ۱۳۷۰ به طور متوسط هر کتابخانه ۶۷۹ نفر عضو داشته است این رقم به ۹۴۶ نفر در سال ۱۳۷۸ رسیده است. در طی همین مدت متوسط کتاب در کتابخانه‌های عمومی رشد منفی ۱ درصد را نشان می‌دهد. از سوی دیگر، ملاحظه می‌شود در سال ۱۳۷۰ به ازای هر ۱۵۳ نفر جمعیت کشور تنها یک نفر عضو کتابخانه عمومی بوده است. اما این رقم در سال ۱۳۷۸ به ۱ نفر عضو از هر ۵۱ نفر جمعیت کشور رسیده است. در هر صورت، شاخص فوق‌گرایش بیشتر مردم به استفاده از کتابخانه‌های عمومی را نشان می‌دهد.

تعداد مراجعان به کتابخانه‌های عمومی از ۸/۱۰۰/۰۰۰ نفر در سال ۷۰ به ۳۴/۷۶۵/۰۰۰ نفر در سال ۷۸ رسیده است که رشد متوسط سالانه ۲۰ درصد را نشان می‌دهد. همچنین در طی دهه مورد بررسی جمعاً ۲۶۶/۶۳۱/۰۰۰ نفر به کتابخانه‌های عمومی کشور مراجعه کرده‌اند. چنانکه در اینجا نیز ملاحظه می‌شود افزایش مخاطبان به شدت فراتر از افزایش کتابخانه‌ها یا منابع کتابخانه‌ها بوده است تا جایی که حدوداً تعداد مراجعان به نسبت تعداد منابع دو برابر شده است. این آمار نشان‌دهنده این است که مسئولان و دولتمردان باید بیش از پیش نسبت به توسعه و گسترش کتابخانه‌ها همگام با نیاز مردم و مخاطبان تلاش و جدیت به خرج دهند. درحالی که به طور متوسط هر کتابخانه عمومی در سال ۱۳۷۰، بالغ بر ۱۵۰۵۶ مراجع داشته است، این رقم در سال ۱۳۷۸ به ۲۶۶۶۰ نفر رسیده است که رشدی معادل ۷۷ درصد را نشان می‌دهد.

در نهایت، تعداد کتابهای به امانت داده شده توسط کتابخانه‌های عمومی کشور طی دهه مذکور حدوداً سه برابر شده است و از ۳/۵۱۳/۰۰۰ جلد در سال ۱۳۷۰ به ۱۹/۸۲۸/۰۰۰ جلد در سال ۱۳۷۸ رسیده است که رشد متوسط سالانه معادل ۲۴/۱ درصد را نشان می‌دهد. همچنین باید گفت جمعاً در طی این دهه ۱۳۱/۱۹۲/۰۰۰ جلد کتاب به امانت داده شده است. می‌توان ادعا کرد که هر عضو کتابخانه طی دهه مذکور به طور متوسط ۱۶ جلد کتاب به امانت برده است. اما آمار مراجعان نشان می‌دهد که بسیاری از مراجعه‌ها برای دریافت کتاب نبوده است و مخاطبان از کتابخانه استفاده دیگری از جمله مطالعه درسی، فعالیتهای فوق برنامه و غیره برده‌اند؛ زیرا آمار مراجعان طی دهه مذکور تقریباً دو برابر کتابهای به امانت داده شده است.

جدول شماره ۸: وضعیت کتابخانه‌های عمومی طی دهه ۱۳۷۰-۱۳۷۹

درصد رشد متوسط سالانه	جمع کل	تعداد از سال ۱۳۷۹	تعداد سال ۱۳۷۸	۱۳۷۷	۱۳۷۶	۱۳۷۵	۱۳۷۴	۱۳۷۳	۱۳۷۲	۱۳۷۱	۱۳۷۰	واحد شمارش	سال	ردیف
													موضوع	
۱۱/۷	—	۱۳۶۸	۱۳۰۴	۱۲۶۳	۱۱۴۹	۱۰۴۷	۸۹۷	۷۵۱	۶۴۷	۶۰۰	۵۳۸	باب	تعداد کتابخانه‌های عمومی	۱
۱۱/۷	—	۱۰۸۱۰	۹۶۰۵	۸۸۰۶	۷۶۴۳	۷۳۶۴	۶۶۵۸	۵۷۸۳	۵۲۷۳	۴۲۵۲	۳۹۷۴	هزار	تعداد کتاب در کتابخانه‌های عمومی	۲
۱۶/۴	۸۳۸۶۹۱۰	۱۳۶۳۰۰۰	۱۲۳۳۰۰۰	۱۱۲۷۰۰۰	۹۶۹۰۰۰	۸۳۴۲۸۵	۷۱۱۱۸۰	۶۴۶۹۵۱	۷۲۲۰۶۱	۳۶۵۲۱۱	۳۶۵۲۲۲	نفر	تعداد اعضاء	۳
۲۰	۲۲۶۶۳۱	۲۷۴۱۱	۳۴۷۶۵	۳۰۳۱۳	۲۹۶۴۹	۳۰۷۱۵	۳۱۰۶۸	۱۶۱۱۰	۹۵۰۰	۹۰۰۰	۸۱۰۰	هزار نفر	تعداد مراجعان	۴
۲۴/۱	۱۳۱۱۹۲	۱۶۶۰۷	۱۹۸۲۸	۱۷۰۵۱	۱۶۶۲۷	۱۶۲۰۶	۱۵۰۷۹	۱۶۱۱۰	۵۹۵۳	۴۲۰۰	۳۵۳۱	هزار جلد	تعداد کتاب به امانت داده شده	۵

د- بررسی عملکرد بخش کتاب در برنامه اول و دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

در برنامه اول توسعه، ۱۵ هدف کمی برای فعالیتهای مختلف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در نظر گرفته شد که از این تعداد ۴ هدف کمی سهم بخش کتاب و کتابخوانی بوده است.

چنانکه در جدول شماره ۹ ملاحظه می شود تنها شاخص کتابخانه های عمومی یعنی افزایش تعداد مراجعان کتابخانه های عمومی^۱ در طول سالهای برنامه اول توسعه، صددرصد تحقق یافته است. طبق برنامه، پیش بینی شده بود که تعداد مراجعان از ۶/۵۰۰/۰۰۰ نفر در سال ۶۸ به ۹/۵۰۰/۰۰۰ نفر در سال ۷۲ برسد که این برنامه کاملاً تحقق پیدا کرده است.

هدف کمی افزایش عناوین کتاب تقریباً در هیچ سال از دوره های برنامه اول تحقق کامل پیدا نکرده است. همان طوری که ملاحظه می شود در سال ۶۸ فقط ۹۷/۷ درصد از برنامه پیش بینی شده تحقق پیدا کرد و این رقم برای سالهای ۶۹ تا ۷۲ به ترتیب ۸۷/۱، ۸۳/۴ و ۸۸/۹ درصد بوده است. کمترین میزان دستیابی به هدف برنامه مربوط به سال ۷۱ بوده است که طبق برنامه اول پیش بینی شده بود تعداد ۸۹۷۵ عنوان کتاب در کشور منتشر شود که با ۲۴/۶ درصد کاهش تنها ۷۴۸۸ عنوان کتاب در کشور منتشر شد.

هدف کمی «افزایش تیراژ کتاب» افت و خیزهایی در طول سالهای برنامه داشته است. درحالی که سالهای ۶۸ و ۶۹ عملکرد بخش تقریباً از حد برنامه پیشی گرفته بود، سالهای ۷۰ و ۷۱ با افت شدیدی مواجه شد و تقریباً اهداف برنامه تحقق پیدا کرده است. چنانچه در جدول شماره ۹ ملاحظه می شود پیش بینی برنامه برای سال ۶۸ برابر با ۵۲/۳۱۶/۰۰۰ نسخه کتاب بوده است که با ۶ درصد برتری نسبت به پیش بینی برنامه (۱۰۶ درصد) شاهد عملکرد ۵۵/۴۵۲/۰۰۰ نسخه بوده ایم که بیشترین میزان رشد را در طی سالهای برنامه اول نشان می دهد. در سال ۷۱ شاهد کمترین میزان عملکرد بخش هستیم. در این سال از ۵۸/۵۸۸/۰۰۰ نسخه کتاب پیش بینی شده فقط ۳۳/۲۵۰/۰۰۰ نسخه موجود بوده است که رقم ۵۶/۸ درصد را نشان می دهد. سال ۷۲ سالی است که تقریباً صددرصد برنامه های پیش بینی شده تحقق پیدا کرده است.

آخرین هدف کمی بخش کتاب در برنامه اول توسعه، «تولید کتاب کودکان و نوجوانان» است که با واحد شمارش «هزار نسخه» ارزیابی می شود. در این بخش عملکرد شاخص بسیار فراتر از پیش بینی برنامه بود. رقم ۵/۷۰۰/۰۰۰ نسخه پیش بینی برنامه برای سال

جدول شماره ۹: ارزیابی اهداف کمی بخش کتاب در برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۶۸-۱۳۷۲)

ردیف	عنوان هدف کمی	واحد	پیش بینی اهداف طی سالهای برنامه					عملکرد شاخص طی سالهای برنامه					درصد تحقق هدف				
			۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲
۱	افزایش تعداد مراجعان کتابخانه های عمومی	هزار نفر	۶۵۰۰	۷۳۰۰	۸۱۰۰	۹۰۰۰	۹۵۰۰	۶۵۰۰	۷۳۰۰	۸۱۰۰	۹۰۰۰	۹۵۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۲	افزایش عناوین کتاب	عنوان	۷۹۷۹	۸۲۹۸	۸۶۳۰	۸۹۷۵	۹۲۳۴	۷۷۹۴	۸۲۰۸	۷۵۱۶	۷۴۸۸	۸۲۰۹	۸۸/۹	۸۳/۴	۸۷/۱	۹۸/۹	۹۷/۷
۳	افزایش شمارگان کتاب	هزار نسخه	۵۲۳۱۶	۵۴۴۰۸	۵۶۵۸۶	۵۸۵۸۸	۶۱۰۰۰	۵۵۴۵۳	۵۶۱۸۸	۳۶۵۳۱	۳۳۲۵۰	۶۱۰۰۰	۱۰۶	۱۰۳/۳	۶۴/۶	۵۶/۸	۱۰۰
۴	تولید کتاب کودکان و نوجوانان	هزار نسخه	۵۷۰۰	۵۸۰۰	۵۹۰۰	۶۱۰۰	۶۵۰۰	۱۸۵۶۳	۲۱۳۶۱	۱۲۶۷۹	۷۸۲۶/۸	۱۶۶۴۹	۲۵۶/۱	۱۲۸/۳	۲۱۲/۹	۳۶۸/۳	۲۲۵/۷

۶۸ به ۱۸/۵۶۳/۰۰۰ نسخه رسیده است که رشدی معادل ۳۲۵/۷ درصد را نشان می دهد. البته این وضعیت برای سالهای ۶۹، ۷۰، و ۷۲ نیز ملاحظه می شود. ولی موضوع حایز اهمیت این است که علی رغم افزایش عملکرد بخش نسبت به برنامه، رشد شمارگان کتابهای کودکان و نوجوانان عملاً سیر نزولی داشته است تا جایی که از ۱۸/۵۶۳/۰۰۰ نسخه در سال ۶۸ به ۷/۸۲۶/۸۰۰ نسخه در سال ۷۱ رسیده است.

برنامه دوم توسعه نیز همچون برنامه اول فقط چهار هدف کمی در بخش کتاب و کتابخوانی داشته است. «افزایش تعداد کتابخانه های عمومی کشور» از جمله اهداف کمی برنامه دوم توسعه بوده است. طبق پیش بینی برنامه قرار بود تعداد کتابخانه های عمومی کشور از ۸۶۶ باب در سال ۷۴ با رشد متوسط سالانه ۷ درصد به ۱۳۹۷ باب در سال ۱۳۷۸ برسد که با توجه به جدول شماره ۱۰، به غیر از سال آخر برنامه در بقیه سالهای برنامه تقریباً عملکرد بخش فراتر از پیش بینی اهداف بوده است. بالاترین میزان تحقق هدف کمی مذکور مربوط به سال ۱۳۷۶ است. طبق برنامه قرار بود در این سال تعداد کتابخانه های عمومی کشور به ۱۰۱۷ باب برسد که با ۱۳ درصد رشد نسبت به پیش بینی برنامه، به ۱۱۴۹ باب رسید. لیکن سال ۷۸ تقریباً ۷ درصد نسبت به پیش بینی برنامه عقبتر بوده است. طبق برنامه افزایش کتابخانه های عمومی تا ۱۳۹۷ باب پیش بینی شده بود که با ۷ درصد رشد منفی فقط ۱۳۰۴ باب حاصل شده است.

در هدف کمی «تعداد مراجعان به کتابخانه های عمومی» تقریباً در تمام سالهای برنامه، عملکرد بخش فراتر از پیش بینی برنامه

دوم بوده است. تا جایی که در سال ۱۳۷۵ تعداد مراجعان ۱۷/۱۴۴/۰۰۰ نفر پیش بینی شده بود که این رقم با رشد ۹۷/۲ درصد نسبت به پیش بینی برنامه به ۳۰/۷۱۵/۰۰۰ نفر رسیده است.

در بخش تولید کتاب فقط دو هدف کمی در برنامه دوم پیش بینی شده بود که آن هم ویژه کودکان و نوجوانان است. طبق جدول شماره ۱۰، شاخصهای «تولید کتاب کودکان و نوجوانان (عنوان و تیراژ)» بیانگر موفقیت چشمگیر بخش است. در سال ۷۴ تعداد ۱۳۷ عنوان کتاب کودک و نوجوان پیش بینی شده بود که عملکرد بخش با ۹۸۶/۹ درصد رشد به ۱۳۵۲ عنوان رسیده است. دیگر سالهای برنامه دوم در شاخص مذکور به ترتیب از رشدی معادل ۱۶۹۹، ۱۷۴۰، ۱۴۹۳ و ۱۶۴۸ درصد برخوردار بوده اند.

همچنین شمارگان کتابهای کودک و نوجوان طبق پیش بینی برنامه، قرار بود از ۳/۸۴۴/۰۰۰ نسخه به ۶/۵۵۵/۰۰۰ نسخه در سال ۷۸ برسد که عملکرد بخش از شاخص مذکور ۲۶/۷۲۲/۰۰۰ نسخه در سال ۷۴ و ۳۰/۰۰۰/۰۰۰ نسخه در سال ۷۸ بوده است که به ترتیب طی سالهای برنامه دوم رشدی معادل ۳/۳۵۴/۳، ۵۶۸، ۵۱۸، ۴۹۲ و ۴۵۸ درصد را نشان می دهد.

آنچه حایز اهمیت است این است که بخش کتاب در طی سالهای برنامه دوم نه تنها توانسته اهداف برنامه را جامه عمل بپوشاند، بلکه در بسیاری از سالهای برنامه در شاخصهای مختلف عملکرد فراتر از پیش بینی برنامه داشته است.

جدول شماره ۱۰: ارزیابی اهداف کمی بخش کتاب در برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۷۴-۱۳۷۸)

ردیف	عنوان هدف کمی	واحد	پیش بینی اهداف طی سالهای برنامه					عملکرد شاخص طی سالهای برنامه					درصد تحقق هدف					
			۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	
۱	افزایش تعداد کتابخانه های عمومی کشور	باب	۸۶۶	۹۹۷	۱۰۱۷	۱۱۹۷	۱۳۹۷	۱۹۷	۱۰۴۷	۱۱۴۹	۱۲۶۳	۱۳۰۴	۱۰۳/۶	۱۰۵	۱۱۳	۱۰۵/۵	۱۰۵/۵	۹۳/۳
۲	افزایش تعداد مراجعان به کتابخانه های هزار نفر عمومی کشور	هزار نفر	۱۶۰۴۲	۱۷۱۴۴	۱۹۰۱۶	۲۰۸۸۰	۲۳۹۰۰	۳۱۰۶۸	۳۰۷۱۵	۲۹۶۴۹	۳۰۳۱۳	۳۴۷۶۵	۱۴۳/۷	۱۴۳/۲	۱۵۶	۱۴۵/۲	۱۴۵/۵	
۳	تولید کتاب کودکان و نوجوانان	عنوان	۱۳۷	۱۵۵	۱۶۴	۱۷۴	۱۸۵	۱۳۵۲	۲۶۳۴	۲۸۵۲	۲۵۹۷	۳۰۴۹	۹۸/۹	۱۷۴۰	۱۶۹۹	۱۴۹۳	۱۶۶۸	
۴	تولید کتاب کودکان و نوجوانان	هزار نسخه	۳۸۴۴	۴۷۰۵	۵۲۵۱	۵۸۷۰	۶۵۵۵	۱۳۶۲۱	۲۶۷۲۲	۲۷۱۹۵	۲۸۸۸۰	۳۰۰۰۰	۳۵۲/۳	۵۶۸	۵۱۸	۲۹۲	۴۵۸	

پانویس:

۱. جمعیت کشور در سال ۱۳۷۰ برابر ۵۵/۸۳۷/۰۰۰ نفر بوده است.
۲. جمعیت کشور در سال ۱۳۷۹ برابر با ۶۳/۸۶۱/۸۱۵ نفر بوده است.
۳. در این گزارش افراد زیر ۱۵ سال جزء جمعیت کودک و نوجوان محاسبه شده اند که در سال ۱۳۷۰ بالغ بر ۲۴/۷۲۴/۰۰۰ نفر بوده اند.
۴. جمعیت زیر ۱۵ سال در سال ۱۳۷۸ بالغ بر ۲۲/۰۳۷/۳۸۵ نفر بوده است.
۵. جمعیت شهری در سال ۱۳۷۰ بالغ بر ۳۱/۸۳۵/۰۰۰ نفر بوده است.
۶. جمعیت شهری در سال ۱۳۷۸ بالغ بر ۳۹/۷۱۸/۳۷۷ نفر بوده است.
۷. آمار مربوط به سال ۱۳۷۹ فقط شامل ۹ ماه از سال است.
۸. رشد متوسط سالانه به دلیل کامل نبودن آمار سال ۷۹، به سال ۱۳۷۸ تعیین شده است.
۹. در ابتدا شاخص «افزایش ظرفیت کتابخانه ها» در نظر گرفته شد؛ ولی به دلیل نبود آمار ظرفیت کل کتابخانه های کشور، شاخص مذکور جایگزین شد.